

سهام صمد

● محمد جواد جزینی

قصه‌های به رنگ

صمد به رنگی



به کوشش اسد به رنگی

■ قصه‌های به رنگ

■ به کوشش اسد به رنگی

■ انتشارات به رنگی

■ چاپ دوم، شهریور ۱۳۷۷

■ ۳۷۶ صفحه

■ قیمت ۸۵۰۰ ریال

در طول سالهای دهه پنجاه و کمی پیش و پس از آن، "صمد به رنگی" سرشناس‌ترین نویسنده ادبیات داستانی کودک و نوجوان ایران بود.

صرف‌نظر از خلاقیت و توان فردی او، چندین عامل در این شهرت پر دامنه تأثیر داشت. در درجه نخست وابستگی او به جریانهای سیاسی و مارکسیستی است که در آن سالها فعالیت گسترده‌ای در حوزه فرهنگ و هنر داشتند.

این جریان سیاسی، تلاش فراوان و تأثیرگذاری در معرفی او به عنوان نویسنده‌ای توانا داشت. نقدهای فراوان و چاپ آثار او از جمله اقدامات آنها در معرفی او محسوب می‌شود.

دلیل دیگر، مسأله مرگ او در اوایل شهریور ۱۳۴۷ بود. جریانهای سیاسی چپ تلاش فراوانی داشتند تا مرگ "صمد" را نوعی "قتل سیاسی" جلوه دهند تا از این رهگذر به اهداف سیاسی خود نزدیک تر شوند. منوچهر هزارخانی، "احسان طبری"، "جلال آل احمد" و دیگران با نوشتن مقالات و انجام مصاحبه‌ها سعی کردند غرق شدن او را در رودخانه ارس "ترور سیاسی" معرفی کنند و عاملش را "ساواک". جلال آل احمد در همان سالها گفته بود:

"چو بیندازیم که صمد عین آن ماهی سیاه کوچک از راه ارس خود را اکنون به فریا رسانده است. تا روزی از نوظهور کند."

آرش شماره ۱۸ صفحه ۱۲

و احسان طبری نوشت:

"صمد به رنگی نویسنده‌ای که در سال ۱۳۴۷ در سن ۲۹ سالگی به نحوی مرموز از میان رفت..."

مسائلی از فرهنگ و هنر و زبان صفحه ۱۲۶ و البته سالها بعد معلوم شد مرگ صمد تنها یک حادثه بوده است. "غلامحسین ساعدی" در مصاحبه‌ای با یک نشریه خارجی این نکته را کاملاً روشن می‌کند. صمد به رنگی آن سالها تحت تأثیر شدید ساعدی بود. او در پاسخ مصاحبه کننده که می‌پرسد آیا صمد به رنگی به دست "ساواک" کشته شده بود می‌گوید:

"این قضیه که صمد را ساواک کشته، به نظر من اصلاً واقعیت ندارد. صمد توی رودخانه ارس افتاد و مُرد و آدمی که

با او همراه بوده و به عنوان عامل قتلش می‌گویند یک افسر وظیفه بود که من بعداً او را هم دیدم. [...]

صمد آنجا مرده بود و بعد این شایعه را در واقع آل احمد به دهان همه انداخت. برای اینکه یکی از خصلتهای عمده جلال آل احمد این بود من نمی‌گویم [این کار] بد است یا خوب است و شاید هم اصلاً خوب باشد."

نشریه افبیا شماره ۶

در آن سالها اغلب نویسندگان و نشریات وابسته به جریانهای سیاسی و مارکسیستی با چاپ مقاله‌ها و انتشار جنگ‌های ادبی تلاش کردند از صمد به رنگی قهرمانی سیاسی و مبارزی مارکسیست بسازند که خیلی هم واقعی نبود.

"صمد به رنگی" در تیرماه ۱۳۱۸ در محله "چرنداب" تبریز به دنیا آمد. پس از پایان دوره سیکل اول در دبیرستان "تربیت" تبریز، به دانشسرا رفت و مدرک ششم متوسطه خود را به صورت متفرقه گرفت.

مدتی بعد وارد دانشکده ادبیات تبریز شد و در رشته زبان انگلیسی لیسانس گرفت. در اوایل سال ۱۳۴۶ معلم روستا شد و با وجود داشتن مدرک لیسانس در کلاس اول دبستان مشغول تدریس شد. اولین آثارش را در همین دوره با چاپ مطالبی در نشریاتی چون "توفیق"، "کتاب هفته"، "آرش"، "راهنمای کتاب" و... آغاز کرد. برای مدت کوتاهی هم در راهاندازی چند نشریه همکاری داشت که این فعالیت مطبوعاتی چندان دوام نیافت.

"به رنگی" در کنار نگارش کتابهایی برای کودکان و نوجوانان دست به تألیف، ترجمه و گردآوری آثار مختلفی هم زد.

"بهاره پاره‌ها" (گردآوری) ۱۳۴۱، کندوکاو در مسائل تربیتی (مجموعه مقالات) ۱۳۴۴ "انسان‌های آذربایجان" (همراه بهروز دهقانی - گردآوری) ۱۳۴۴، "ناپاجالار، قوشاجالار" (متلها و چیستانها) ۱۳۴۵ و چندین ترجمه از جمله "ما الاغها" (۱۳۴۴)، دفتر اشعار معاصر [؟] و... در مجموع ۲۱ کتاب تألیف، تحقیق، گردآوری و ترجمه از او به جای مانده است.

"صمد به رنگی" سرانجام در روز نهم شهریور ۱۳۴۷

"سرگذشت دمرن دیوانه‌سر" نشان می‌دهد که بهرنگی با تمهیدی آگاهانه به آفریدن افسانه‌های نو با اندیشه و درونمایه‌ای تازه اقدام می‌کند.

اغلب داستانهای او با تمهید روایت نقلی بیان می‌شود. آوردن مقدمه و مؤخره‌ها در ابتدا و انتهای داستان علاوه بر بالا بردن حس واقع‌نمایی در داستان، بافت روایتی آن را آشکار می‌کند.

چشم‌انداز روستا و زندگی روستائینان از ویژگیهای دیگر این مجموعه داستان است. زمینه اغلب داستانها روستاست.

اگرچه در روزگار خلق این آثار نویسندگان دیگری هم بودند که آثارشان زمینه روستایی داشت، اما آثار صمد بهرنگی در این میان رنگ و بوی خاصی دارد. محمود دولت‌آبادی، بهروز تبریزی و علی‌اشرف درویشان و... کسانی هستند که در همان سالها به مسائل روستائیان پرداختند. اگر فارغ از توجه به عصر نگارش این داستانها، با ملاکهای ادبیات کودک و نوجوان امروز به این کتاب نگاه کنیم، ضعفهای عمده‌ای را در ساختار داستانی اغلب قصه‌ها می‌یابیم.

نبود پرداخت مناسب از فضای داستان یکی از ضعفهای این مجموعه است. زبان داستانی این کتاب هم دارای لغزشهای فراوان است.

شاید اکنون که در روزهای آخر دهه دوم انقلاب هستیم و پس از قریب به سی سال از خلق این اثر و پیدایش آثار ارزشمندی در حوزه ادبیات داستانی کودک و نوجوان، آثار صمد بهرنگی جای عرض اندام نداشته باشد، اما باید بدانیم بهرنگی در پیدایش ادبیات داستانی کودک و نوجوان سهم بزرگ و انکارناپذیری داشته است. این حجم کار کم و تأثیر عمیق، او را جاودانه می‌کند.

منابع:

بهرنگی، صمد. بهرنگی با موجهای ارس به فریبا پیوست.

جمشیدی، اسماعیل. زندگی و مرگ صمد بهرنگی

طبری، احسان. مسائلی از فرهنگ و هنر و زبان

هزارخانی، منوچهر. ویژه‌نامه آرش شماره ۱۸

عابدینی، حسن. صد سال داستان‌نویسی در ایران (جلد

اول)

رهگذر، رضا. صمد بهرنگی چگونه بود. □

در رودخانه ارس غرق شد. او در طول عمر هنری خود پنج داستان کوتاه و هشت داستان بلند نوشت که جز "تدخون" که ظاهراً کاری است برای بزرگسالان، مخاطبان آثار داستانی او کودکان و نوجوانان بودند.

کلیه آثار او در سالهای قبل و پس از انقلاب چندین و چند بار در شکل‌های مختلف و در تیراژهایی قابل توجه منتشر شد.

کتاب "قصه‌های بهرنگ" که به کوشش [؟] اسد بهرنگی برادر صمد منتشر شده است چاپ دوم این کتاب محسوب می‌شود. این اثر شامل دوازده داستان کوتاه و بلند بهرنگی است. که "الدوز و کلاغها" به نوعی اولین تجربه داستان‌نویسی او، یک هلو و هزار هلو و بیست و چهار ساعت در خواب و بیداری از جمله آخرین آنها محسوب می‌شوند.

"صمد بهرنگی" را به نوعی می‌توان هانس کریستن آندرسن ایران نامید.

چرا که با در نظر گرفتن برخی ویژگیهای آثارش می‌توان او را بنیانگذار ادبیات داستانی کودک و نوجوان به معنای امروزی دانست.

در آن دوران آثار او خیلی زود مورد تقلید نویسندگانی قرار گرفت که برای کودکان و نوجوانان داستان می‌نوشتند. از آن جمله "علی‌اشرف درویشان" منصور یاقوتی و... البته نفوذ و تأثیر صمد بهرنگی تنها در حوزه ادبیات کودک و نوجوان محدود نشد و نویسندگان بزرگسال هم به تقلید از آثار او دست به خلق آثار مشابهی زدند که از آن جمله می‌توان به کتاب "و خاک تنگی بود" نوشته به‌آذین اشاره کرد که تحت تأثیر ماهی سیاه کوچولو نوشته شد.

بدون تردید بیست و چهار ساعت در خواب و بیداری صمد بهرنگی سرآغاز نوینی در داستان‌نویسی "واقع‌گرایانه" برای نوجوانان محسوب می‌شود. بهرنگی می‌گوید:

اکنون زمان آن است که در ادبیات کودکان به دو نکته توجه کنیم [...]

۱- ادبیات کودکان باید پلی باشد بین دنیای رنگین بی‌خبری و رویاها و خیالهای شیرین کودکی و دنیای تاریک و آگاه غرقه در واقعیت‌های تلخ و دردآور و سرسخت محیط اجتماعی بزرگترها [...]

۲- باید جهان بینی دقیقی به بچه داد، معیاری به او داد که بتواند مسائل گوناگون اخلاقی و اجتماعی را در شرایط و موقعیتهای دگرگون شونده دایمی و گوناگون اجتماعی ارزیابی کند.

نشریه نگین (از دیهشت ۴۷)

تلور این اندیشه به خوبی در مجموعه داستان "قصه‌های بهرنگ" آشکار است. طغیان علیه وضعیت موجود و انشای تیره‌بختی‌ها و نمایش دنیای تاریک در سرتاسر قصه‌ها چون درونمایه‌ای دائمی وجود دارد.

تلاش بهرنگی در آفریدن افسانه‌های نو با الهام از افسانه‌های کهن و بومی موفقیت‌آمیز است. آثاری چون "الدوز و کلاغها"، "کچل کترباز"، "افسانه محبت"،

◀ صرف‌نظر از توان فردی، وابستگی به جریانهای سیاسی و مرگ مشکوک در شهرت صمد دخیل بوده است

◀ بعدها معلوم شد مرگ صمد تنها یک حادثه بوده است

◀ نویسندگانی چون درویشان و یاقوتی به تقلید از صمد پرداختند

◀ اگر با ملاکهای ادبیات کودک و نوجوان امروز به این کتاب نگاه کنیم ضعفهای عمده‌ای را در ساختار اغلب قصه‌ها می‌بینیم

